



جغرافیای تاریخی شیعه در سده‌های نخست

دکتر سید حسن قریشی کرین
استادیار دانشگاه پیام نور

سعید عسگری
کارشناس ارشد تاریخ تشیع قم

چکیده

مذهب نبودند، بلکه در بسیاری موارد بخش عمده‌ای از اراضی در اختیار این دولت‌ها جمعیتی غیرشیعی و یا حداکثر با گرایش‌های شیعی را در خود جای داده بودند. از این رو وجود دولت یا حکومتی شیعه مذهب در یک نقطه را نمی‌توان دلیل قطعی بر تشیع مردمان آن سامان دانست. با این حال ناپستی اثرات وضعی دولت‌های شیعی را در گسترش تشیع و انتشار اندیشه‌های شیعی، در محدوده‌ی تحت حکومتشان نادیده گرفت. در این مقاله ابتدا بطور اجمال نگاهی به مفهوم کلی جغرافیای تاریخی خواهیم داشت، سپس سیر تاریخی شیعه را در قالب اقلیمی، در مجموعه کشورهای چون: شبه جزیره عربستان، عراق، شمال آفریقا، شام و ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفهوم جغرافیای تاریخی

جغرافیای تاریخی، دانشی میان رشته‌ای است که مانند هر علم دیگری برای تحلیل و بهره‌گیری از آن، دو موضوع باید مورد توجه قرار گیرد؛ یکی تعریفی که از این مفهوم می‌شود و دیگری ظرفیتی که متناسب با تعریف یاد شده مورد توجه قرار می‌گیرد. برخی آن را علمی می‌دانند که تأثیرات جغرافیا بر وقایع تاریخی و سیر تاریخی مرزها و اکتشافات جغرافیایی را بیان می‌کند، و برخی آن را شرح تغییرات جغرافیایی در طول زمان می‌دانند. تعریف دیگری از جغرافیای تاریخی وجود دارد که مضمون آن قابل شدن به بررسی تحولات تاریخی یک منطقه جغرافیایی با تکیه بر عوامل جغرافیایی است. شاید بتوان گفت که تعاریف یاد شده همگی به وجهی از حقیقت این موضوع اشاره دارد و این وجه که می‌تواند موارد متعدد دیگری را نیز شامل شوند، همگی قابل پذیرش هستند. گفتنی است که همیشه دقتی در این تعاریف وجود داشته تا حیثیت مستقل این رشته از علوم حفظ شود و در حالی که بر جنبه جغرافیایی بودن آن تأکید می‌شود، تاریخ و سرگذشت انسان هم مورد بررسی قرار می‌گیرد^(۱). برای مثال بررسی تاریخی تجارت در مشرق زمین، جز با مطالعه راه ابریشم و شهرها و قبایل موجود در طول این راه امکان پذیر نیست. و یا علت احداث دیوار چین جز با در نظر گرفتن جنگهای مستمر این کشور و قبایل مغول میسر نمی‌باشد. همینطور علل تسهیل در شکست ایرانیان از اعراب، جز با مدافه در وضعیت اقلیم و بلایای طبیعی در آن مقطع زمانی، نتیجه‌ای جز کار غیر علمی در بر ندارد.

شبه جزیره عربستان

عربستان کشوری است که در شبه جزیره عربستان در جنوب غربی

جغرافیای تاریخی شیعه یکی از موضوعات مورد توجه در سالهای اخیر است که ویژگی و امتیاز خاص این بُعد از مباحث اجتماعی-تاریخی، توجه به جغرافیای اقشار مختلف شیعه همزمان با پرداختن به سیر تحولات تاریخی این مهم می‌باشد. بررسی این موضوع از آن نظر حایز اهمیت است که از جایگاه و موقعیت اجتماعی شیعیان در جهان اسلام و تأثیرات آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عالم اسلامی شناختی بهتر و دقیق‌تر در اختیار محقق قرار می‌دهد. در این پژوهش با در نظر گرفتن کشورهای شیعه نشین در طول قرون اسلامی، به موضوع فوق خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، منابع تاریخی، جغرافیای انسانی، شیعه.

مقدمه

بطور یقین مطالعه ناحیه جغرافیایی و مناطقی که اشتقاق یک شاخه مهم مذهبی در آن رشد و نمو نموده، شکل گرفته و در طول زمان تبدیل به یک مرجع بزرگ در جهت پاسخ به تمامی نیازهای علمی و دینی مردم گشته است، برای کسانی که متأثر از این فرهنگ و مذهب بوده‌اند بسیار سودمند خواهد بود. اما متأسفانه شیعیان در بلاد و شهرهایی از جهان اسلام می‌زیستند که اطلاعات ما از آن‌ها به سبب عدم توجه منابع تاریخی به مقوله جغرافیای انسانی، کاملاً محدودند و از خلال منابع گوناگون تاریخی، جغرافیایی، رجالی و حدیثی، تنها می‌توان به آگاهی‌های اندکی در این خصوص دست یافت. در طول تاریخ فراز و نشیبهای بسیاری گریبان‌گیر پیروان این مذهب شده است و با توجه به این گوناگونی موقعیتهای سیاسی و اجتماعی پیش آمده، تراکم جمعیت در شهرهای مختلف ناهمگون بوده است. لذا، در برخی شهرها این تراکم به حدی می‌رسید که اکثریت جمعیت شهر را شامل می‌گردید و به سبب کثرت جمعیت شیعیان و برتری نسبی تشیع، شهر مذکور به عنوان شهری شیعه نشین و شیعه مذهب شناخته می‌شد. گذشته از این موارد که بسیار معدود بودند، شیعیان در بسیاری از شهرهای دیگر هم با جمعیتی قابل توجه می‌زیستند. در گزارشات تاریخی پراکنده که به دست رسیده، به وجود شیعیان در شهرها و بلاد دور و نزدیک اشاره شده است. توجه به این نکته لازم است که پراکنش جغرافیایی شیعیان باید جدا از بحث دولت‌ها و حکومت‌های شیعه مذهب مورد بررسی قرار گیرد و باید در نظر داشت که تمام قلمرو دولت‌های شیعی، لزوماً دارای جمعیت همگون شیعه



(م ۲۸۴ ه) امارتی مستقل در این منطقه برپا کنند که بر شهرهای بزرگ عدن و صنعا حاکمیت داشتند^(۶). گذشته از زیدیان و اسماعیلیان، شیعیان دوازده امامی نیز در یمن زندگی می‌کردند و گزارش‌هایی حاکی از وجود آنان در دست می‌باشند که نشان می‌دهند با امامان معصوم علیهم السلام و کیلان ایشان در ارتباط بودند. در خبری نقل شده است که گروهی از شیعیان یمن برای دیدار امام حسن عسکری علیه السلام به سامراء آمدند.^(۷) همچنین از حضور و کیلان امام دوازدهم در یمن سخن به میان آمده و از برخی از اینان و شیعیان یمنی، که موفق به دیدار امام علیه السلام شده بودند، مانند فضل بن یزید، حسن بن فضل، جعفری و شمشاطی نام برده شده است.^(۸)

عراق

سرزمین عراق از آغاز خلافت علی (ع) به عنوان مرکز رشد تشیع مطرح بوده است. این منطقه بیش از چهار سال شاهد حکومت عدل علی بوده و مردم آن با نگرش اعتقادی و سیاسی آن حضرت پرورش یافتند این منطقه از سده اول هجری، مهم‌ترین مرکز فعالیت شیعیان محسوب می‌گردید و شمار قابل توجهی از شیعیان در شهرهای آن سکونت داشتند. مردم عراق، که به داشتن گرایش‌های شیعی معروف بودند، در نقطه مقابل حجاز، با تمایلات سنی و شام با گرایش‌های اموی قرار داشتند. این جناح‌بندی سیاسی مذهبی به خوبی در تحولات سده‌های نخست هجری مشاهده می‌شود. شهرهای مهم شیعه نشین در عراق به شرح ذیل بودند^(۹):

کوفه

نخستین شهر اسلامی که به دست مسلمانان بنا شد، کوفه بود. این شهر به سبب وجود شمار زیادی از شیعیان در آن معروف بود. با توجه به برخی شواهد، سابقه تشیع در این شهر، به سال‌های آغازین احداث آن بازمی‌گردد (بین سالهای ۱۴-۱۹ ه.ق). عمر خلیفه دوم این شهر را «سید الامصر» و «جمجمه العرب» می‌نامید و علی (ع) آن را «کنز الایمان» خطاب می‌کرد^(۹). حضور تنی چند از اصحاب نزدیک امام علی علیه السلام مانند عمّار یاسر، حذیفه بن یمان و عثمان بن حنیف^(۱۰) در این شهر، بی‌شک، در رواج اصول تشیع در بین مردم کوفه بی‌تأثیر نبود. همچنین قبایل یمنی ساکن در این شهر نیز گرایش‌های شیعی داشتند.^(۱۱) دوران چند ساله اقامت امام علی علیه السلام در کوفه موجب تثبیت و تحکیم تشیع در این شهر شد و این شهر به زودی محل تجمع شیعیان و مرکز مخالفت‌ها با حکومت گردید و قیام شیعیان در کوفه در ادوار تاریخی گوناگون از استقرار سریع و ریشه دار تشیع در این شهر حکایت دارد. این امر از دید سیاست مداران این عصر پوشیده نمانده بود و در اظهار نظرها و برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود، به آن تصریح می‌کردند.^(۱۲) باید گفت تشیع کوفه معجونی از تشیع سیاسی و اعتقادی بود^(۱۳) یعنی کسانی که به علی (ع) تنها به خاطر حاکم بودنش احترام قائل بودند و کسانی که قلباً به آن حضرت وفادار بودند.

بغداد

در قرن دوم هجری در سال ۱۴۵ توسط منصور عباسی بنا شد و به

آسیا قرار دارد. این مملکت؛ ۲/۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت سیزدهمین کشور جهان محسوب می‌شود. عربستان از جنوب با کشور یمن، از شرق با عمان و امارات متحده عربی، از شمال، عراق و اردن و از سمت غرب با دریای سرخ همسایه است. بلندترین قله آن در رشته‌کوه‌های غربی، ۳۱۲۰ متر ارتفاع دارد و «رأس الصبح» نامیده می‌شود. همانطور که ذکر شد این کشور در شبه جزیره عربستان جای دارد و ۸۰٪ آنرا گرفته است. شبه جزیره عربستان با ۳/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین شبه جزیره جهان محسوب می‌شود و از سه طرف، دریاهای سرخ، دریای عرب در جنوب، خلیج عدن، دریای عمان و خلیج فارس و مدیترانه احاطه شده است. حداکثر طول شبه جزیره ۲۵۰۰ کیلومتر و حداکثر عرض آن ما بین دریای سرخ و خلیج فارس ۱۰۰۰ کیلومتر می‌باشد. جغرافی دانان شبه جزیره عربستان یا جزیره العرب را به شش قسمت تقسیم کرده‌اند^(۲): تهامه - حجاز - نجد - عین - عروض - حضرموت، مهمترین مناطق شیعه نشین مدینه و یمن بودند.

مدینه

مدینه که در منطقه حجاز واقع است خاستگاه تشیع می‌باشد. حضور شیعیان در شهر مدینه سابقه‌ای بس طولانی دارد. این شهر مدت دو قرن محل سکونت امامان معصوم علیهم السلام بود و بسیاری از اصحاب ایشان و بزرگان شیعه در این شهر زندگی می‌کردند. چنانچه جابر بن عبدالله انصاری صحابه بزرگ پیامبر در کوچ‌های مدینه می‌گشت و می‌گفت: «علی خیر البشر». هم او پس از اینکه امام محمد باقر را زیارت کرد و سلام رسول الله را بدو رسان، هر روز دو بار به دیدار آن حضرت می‌شتافت. ابوذر غفاری هم در مسجد النبی می‌گفت: «من شهادت می‌دهم که محمد وارث علم آدمی و تمامی فضایل انبیا است و علی وصی محمد و وارث علم است» از سوی دیگر بیشتر بنی‌هاشم در این شهر می‌زیسته‌اند و در حرم جدشان احترام داشتند. جلسه‌های درس امام باقر و صادق (علیهما السلام) به مسجدالنبی هم کشیده شد و برخی از شاگردان این دو بزرگوار همچون ابان بن تغلب و ابوحمزه ثمالی در مسجد النبی در جلسه‌های درس حضور داشتند^(۳).

یمن

یمن بعد از مدینه دومین منطقه شیعه نشین علی (ع) بود زیرا نخستین بار آنجا بدست علی (ع) مسلمان شدند. ابن شهر آشوب می‌نویسد: رسول اکرم ابتدا خالد بن ولید را به یمن فرستاد تا آنها را به این دین فراخواند ولی پس از شش ماه حتی یک نفر هم مسلمان نشد ناچار رسول الله او را عزل فرمود و علی را بدانجا گسیل داشت. ایشان پس از اقامه نماز صبح، نامه پیامبر را برای آنها خواندند و در یک روز کل قبیله همدان مسلمان شدند. بعد از همدان، سایر قبایل نیز اسلام را پذیرفتند. پس از رحلت رسول الله آنها خلافت ابوبکر را نپذیرفتند و در دوران خلافت علی (ع) صدها هزار نفر از این قبایل به عراق (خصوصاً کوفه) به یاری آن حضرت شتافتند.^(۴) بعدها آنگاه که امام حسین (ع) از مکه به کوفه حرکت می‌کرد، ابن عباس به او گفت بجای کوفه به یمن برود زیرا که شیعیان پدرش در آنجا هستند. در اوایل غیبت صفراء زیدیان موفق شدند با تلاش یحیی بن حسین، معروف به «الهادی الی الحق»



افریقیه و اندلس

تشیع در قالب غیر امامی آن، در قرن دوم به افریقیه راه یافت و ادریس بن عبدالله حسنی (م ۱۷۲ هـ) مذهب «زیدی» را به مغرب برد و با جلب توجه مردم این نواحی، اولین دولت شیعی زیدی را پایه‌گذاری نمود که تا ابتدای قرن چهارم هجری صاحب قدرت بود. در همین زمان، اسماعیلیان پس از مدتی طولانی تبلیغات پنهان و آشکار در افریقیه، بر تونس استیلا یافتند و به تدریج، سلطه خود را گسترش دادند و امارت مقتدری به وجود آوردند. اما درباره حضور شیعیان امامی اخبار متقنی در دست نداریم، فقط می‌توان حدس زد که برخی از شیعیان امامی در دوره فتوحات و یا پس از آن به این منطقه مهاجرت کرده باشند. درباره سرزمین اندلس نیز همین گونه است، اگرچه برخی کوشیده‌اند بر اساس شواهدی حضور تشیع در اندلس را به اثبات برسانند.^(۳۸) ابن کثیر در ضمن حوادث سال ۴۰۷ نوشته است؛ در این سال شیعیان در بلاد افریقیه قتل عام شدند و اموالشان به غارت رفت و جز شیعیانی که ناشناخته بودند، دیگران کشته شدند.^(۳۹)

جبل عامل

تشیع این سامان زمانی آغاز می‌شود که عثمان، جناب اباذر غفاری را به شام تبعید کرد. مرحوم سید محسن امین می‌گوید: معاویه نیز اباذر را به روستاهای جبل عامل تبعید کرد و او در آنجا به ارشاد مردم پرداخت لذا مردم آنجا تشیع را اختیار کردند. در روستای صرفند و میس جبل عامل، دو مسجد است منسوب به ابوذر.^(۴۰)

ایران جبال

جبال منطقه‌ای است که محدوده اش از قصر شیرین و همدان گرفته تا اصفهان و از آنجا به ری را شامل می‌شود.^(۴۱) همدان در قرن سوم به تسنن شهرت داشتند اما شیعیانی بودند که از طریق محمد بن همدانی با امام خود مرتبط بودند. دو نامه از امام جواد(ع) برای آنها نوشته شده است.^(۴۲) در دینور هم شیعیانی چون جدّ سادات اشرف شجاع فصیح دینوری بوده است.^(۴۳) در اینجا به چند شهر پرجمعیت شیعی این منطقه می‌پردازیم:

قم

قم را باید نخستین شهر شیعی ایران دانست چرا که پیشینه آن به ربع آخر قرن اول هجری باز می‌گردد.^(۴۴) برخی منابع نوشته‌اند در سال ۸۳ بنا شد^(۴۵) و برخی گفته‌اند سال ۹۴ بنا شد.^(۴۶) در روایت از قم بنام «کوفه صغیره» نام برده شده است.^(۴۷) سابقه تشیع در قم به زمان هجرت گروهی از طایفه اشعری‌های کوفه به این شهر می‌رسد. اشعریان عقاید شیعی داشتند و با آمدن آنان، اولین بارقه‌های تشیع در این شهر درخشیدن گرفت^(۴۸) و به زودی در این شهر انتشار وسیعی یافت و تقریباً همگانی شد. نقل است از امام صادق که فرمودند: خدای را حرمی است و آن مکه است. رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است. علی را حرمی است و آن کوفه است. و ما را حرمی است و آن شهر قم است. زود باشد که به شهر قم، زنی را از فرزندان

زودی یکی از تجمع‌گاه‌های شیعیان شد.^(۴۹) این مطلب در تشیع جنازه امام کاظم (ع) کاملاً مشهود است، که فراوانی شیعیان عباسیان را به وحشت افکند. به هر تقدیر، در دوران مورد نظر ما، شمار قابل توجهی از شیعیان در بغداد می‌زیستند؛ چنان که مقدسی در این باره می‌گوید: «برتری جمعیتی در شهر بغداد با شیعیان و حنبلیان بود»^(۵۰) بعضی محلات قدیمی شهر بغداد به شیعیان اختصاص داشتند؛ مانند «کرخ»،^(۵۱) «باب الطاق»،^(۵۲) «نهر الطابق»^(۵۳) و محلات دیگری که در منابع از آنها نام برده شده است.^(۵۴) نکته قابل ذکر دیگر اینکه از آغاز غیبت امام دوازدهم، نایبان خاص آن حضرت در بغداد اقامت کرده بودند. بی‌شک، حضور و فعالیت ایشان بر رونق تشیع در این شهر می‌افزود.

مدائن

در منابع گوناگون، از حضور شیعیان در مدائن از دهه‌های نخست تاریخ اسلام سخن به میان آمده است. امارت سلمان فارسی، شخصیت ممتاز تشیع بر این شهر،^(۵۵) سفر و اقامت امام حسین علیه‌السلام به این شهر برای گردآوری سپاه در جنگ با معاویه^(۵۶) و شرکت شیعیان مدائنی در قیام توأبین به رهبری سعد پسر حذیفه بن یمان^(۵۷) را می‌توان دلایلی بر این امر دانست. ارتباط شیعیان این شهر با امامان نیز تأیید دیگری بر وجود چشمگیر آنان می‌باشد. به نظر می‌رسد این ارتباط در دوران حضور امامان معصوم علیهم‌السلام در عراق و در آستانه غیبت امام دوازدهم بیشتر بود. درباره ابوالادیان، خادم امام عسکری علیه‌السلام، اظهار داشته شده است که در آخرین روزهای حیات ایشان، مأمور رسانیدن نامه‌هایی به شیعیان این شهر شده بود.^(۵۸)

سامراء

حضور شیعیان در سامراء اندکی پس از احداث این شهر و با انتقال امام دهم علیه‌السلام به آنجا پدید آمد و از آن پس حضور ۲۵ ساله دو تن از امامان بهانه خوبی برای سکونت شیعیان در این شهر بود. در همین زمان، وکیلان ائمه اطهار علیهم‌السلام در سامراء فعالیت گسترده‌ای داشتند که از جمله ایشان می‌توان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان عمری را نام برد. شیعیان ساکن در شهر نیز علی‌رغم مشکلات فراوان به دیدار امام می‌رفتند.^(۵۹)

بصره

بصره در سال ۱۷ هجری تقریباً همزمان با کوفه بنا شد^(۶۰) اگر چه به سبب حمایت از عایشه و طلحه و زبیر به عثمانی‌گرایی شهرت داشت، اما در همان زمان شیعیان بصره پیش از رسیدن امام علی(ع) با آنها جنگیدند^(۶۱) در جریان کربلا هم قبایل بنی سعد، بنی حنظله، و بنی تمیم گرد هم آمدند و نامه‌ای به حضرت نوشتند اما آنگاه که آماده شدند تا به امام بپیوندند، خبر شهادت وی را دریافت کردند.^(۶۲)

با گذشت زمان رنگ شیعی بصره قوی‌تر شد به اندازه‌ای که در آغاز حکومت عباسی، دومین قیام علوی، قیام ابراهیم برادر نفس زکیه در آنجا واقع شد.



من فاطمه نام دفن کنند. هرکس که زیارت او را دریابد به بهشت می‌رود.^(۳۹)

تشیع قم در گفتار جغرافی‌دانان

یاقوت حموی با تأکید بر اینکه مردم قم همه شیعه امامی هستند، اظهار کرده که هیچ سنی مذهبی در میانشان پیدا نمی‌شود.^(۴۰) تنوخی و جیهانی^(۴۱) با این عبارت که ایشان همگی مذهب شیعه دارند و متعصب هستند یاد کرده است. ابن حوقل^(۴۲) گفته است که همگی شیعه و فارسی‌زبانند. مقدسی نوشته است^(۴۳) که اهل قم همه شیعی غالی هستند. بلخی هم نوشته است که همه شیعه و از نژاد عرب هستند^(۴۴).

اقامت اعراب اولیه گرایش شدید سنی‌گری در آنجا شایع شد. در دوران خلافت امام علی (ع) یکی از اصحاب آن حضرت به نام یزیدبن قیس بر آنجا حکومت کرد^(۴۱) پس از آن دوباره مردم رو به مذهب سنت آوردند تا جایی که معاویه را هم جزء انبیا محسوب می‌کردند^(۴۲) و در واقع باید یکی از ارکان رشد شیعه را صاحب بن عباد، وزیر شیعی آل بویه دانست. رفته رفته با مهاجرت بیش از سی تن از سادات که هنوز هم مقبره آنها به صورت امامزاده در آنجاست، تشیع شروع به رشد نمود. بعد از آن مهاجرت افراد شیعی از قم و کاشان به آنجا، پایگاه محکمی از شیعه تشکیل شد تا آنجا که در قرن چهارم در آنجا حوزه علمی شیعه تشکیل دادند.^(۴۳)

کاشان

تشیع کاشان را باید با قم پیوند زد بویژه که برخی از شیعیان اصیل قم همچون خاندان برقی در کاشان املاکی داشتند که مجبور بودند در آنجا رفت و آمد کنند. ابن حوقل نوشته است که آنها شیعیان غالی هستند^(۴۴) مستوفی می‌نویسد مردم همگی شیعه مذهبند و اکثراً لطیف طبع و حکیم وضع هستند.^(۴۵) ابن بطوطه هم در بین شماری از شهرهای شیعه‌نشین، از کاشان یاد می‌کند.^(۴۶) محله‌ای بنام محله پنجه شاه در کاشان است که بر اساس نقل عامیانه، محل دفن دست حضرت عباس است و گفته‌اند که دختر مالک اشتر از کربلا آن را به این سو آورد.^(۴۷) از سوی دیگر مراسم انتظار ظهور مهدی (عج) در شهر کاشان برقرار بوده است. ایشان همگی هر روز صبح بر اسب سوار می‌شدند در بیرون از دروازه شهر به انتظار امام می‌ایستادند.^(۴۸) از کهن‌ترین امام زاده‌ها، امامزاده علی بن امام باقر (ع) است که به نام مشهد اردهال در ۴۲ کیلومتری غرب کاشان قرار دارد.^(۴۹)

خوزستان

جمعیت شیعیان در خوزستان قابل ملاحظه بود. شاید این امر به سبب همجواری آن با عراق بوده باشد. نیمی از ساکنان اهواز را که از بزرگ‌ترین شهرهای این ایالت بود شیعیان تشکیل می‌دادند. اینان که «مروشین» نامیده می‌شدند، همواره با سنیان شهر، که به «فضلیین» معروف بودند، نزاع داشتند.^(۵۰) در اهواز، چهره‌های شاخصی از شیعیان و اصحاب امامان علیهم السلام زندگی می‌کردند؛ مانند علی‌بن‌مهزیار اهوازی که از اصحاب امام دهم و یازدهم علیهماالسلام بود و تألیفات بسیاری بیش از سی جلد داشت.^(۵۱) همچنین نام عده‌ای از وکیلان امام دوازدهم در اهواز و دیگر شهرهای خوزستان در منابع ذکر شده است که برخی از ایشان موفق گردیدند با آن حضرت دیدار کنند.^(۵۲) وجود برخی خاندان‌های بزرگ شیعه مذهب در این ناحیه نیز حاکی از انتشار شیعیان در خوزستان است. یکی از این خاندان‌ها، که از نفوذ سیاسی و اجتماعی زیادی هم در منطقه برخوردار بود، «بریدیان» می‌باشد که در تحولات سیاسی غیبت صغرا نیز نقش بسزایی ایفا کرد و برخی از اعضای این خانواده تا مناصب بالای دولتی در حکومت عباسیان پیش رفتند.^(۵۳)

فارس

در ایالت فارس، شیعیان بیشتر در نواحی ساحلی می‌زیستند. به گزارش

ری

ری از شهرهای بزرگ ایالت جبال و دارای موقعیت سیاسی حایز اهمیتی بود و تمایلات شیعی قوی در آن وجود داشت. تشیع به طور گسترده، از آغاز قرن سوم هجری در این شهر نمودار شد. وجود محدثان و راویان و عالمان برجسته شیعه در این شهر حاکی از جو شیعی شهر ری است که نمونه بارز ایشان را می‌توان محمد بن یعقوب کلینی، نویسنده کتاب الکافی ذکر کرد. وجود وکیلان امام دوازدهم در ری نیز ارتباط نزدیک شیعیان آن را با امام علیه السلام نشان می‌دهد. یکی از این وکیلان محمد بن جعفر اسدی (م ۳۱۲ ه) بود که به عدالت و وثاقت شهرت داشت و امام علیه السلام مردم را برای حل مشکلات دینی و مسائل مذهبی به وی ارجاع می‌دادند.^(۴۵) در بین یاران امام کاظم، رضا و هادی (علیهم السلام) افرادی به نام رازی دیده می‌شود که همگی از ری می‌باشند. یکی از چهره‌های شاخص اصحاب الامه می‌توان از عبد العظیم حسنی که از اصحاب امام رضا و جواد و هادی (علیهم السلام) بوده، نام برد که آمدن وی به ری نشان از حضور شیعیان در آنجا می‌دهد.

قزوین

پس از فتح ایران، اعراب سرشناس بسیاری جهت مقابله با دیلمیان در این شهر سکنی گزیدند که مظهر سنی متعصب در این شهر شدند^(۴۶) اما در قرن دوم رفته رفته حضور شیعیان بیشتر شد. در بین رجال شیعه در قرن دوم و سوم هجری، به نام شماری از اهل قزوین برمی‌خوریم که برخی مانند داوود بن سلیمان قزوینی از اصحاب امامان معصوم علیهم السلام بودند^(۴۷). علی بن محمد قزوینی، که در ۳۵۶ ه.ق در بغداد درگذشت، از عالمان شیعی بود و کتاب‌های متعددی نوشت.^(۴۸) شیعیان قزوین در عصر غیبت، با وکیلان امام دوازدهم در ارتباط بودند و وجوهات و اموال خود را برای ایشان می‌فرستادند^(۴۹) و در مسائل علمی خویش، با عالمان بزرگ عصر خود در تماس بودند؛ چنان که مثلاً در آثار شیخ صدوق از رساله‌های نام برده شده که در آن به مسائل رسیده از مردم پاسخ داده شده است.^(۵۰) با احتساب ظهور اسماعیلیان در قرن سوم و ایجاد قلعه الموت، می‌توان این شهر را یکی از مراکز تاریخی شیعه به شمار آورد.

اصفهان

اصفهان در دوران خلیفه دوم بدست ابوموسی اشعری فتح گردید. با



مقدسی، رسم آنان بر این بود که پس از ادای نمازهای واجب، عالمانشان به ایراد سخنانی درباره مسائل دینی می پرداختند و در مناسبت های مذهبی و برای برپایی مراسم در محل هایی خاص اجتماع می نمودند.^(۶۴) به گفته اصطخری، در شهر «حرّه» از این ایالت اغلب مردم شیعه مذهب بودند.^(۶۵) در مجموع استان فارس، به لحاظ سلطه آل بویه در قرن چهارم یکی از مراکز عمده شیعه بوده است. در این صورت نمی توان شیعه را منحصر به شهر حرّه یا فیروز آباد دانست. بعدها یافت شدن قبر احمد ابن موسی الکاظم در شیراز هم بر تشیع آنجا افزود^(۶۶). مقدسی درباره فارس می گوید، مذهب تشیع و معتزله در سواحل آن بسیارند.^(۶۷)

تشیع در طبرستان

طبرستان شامل مازندران، گیلان و دیلم بود. مردم مازندران پس از حمله مسلمانان در زمان عثمان، حاضر به پرداخت جزیه شدند. اما مردم گیلان و دیلم تنها در قرن سوم با پذیرفتن اسلام زیدی بود که تسلیم شدند. سادات علوی در برابر فشار منصور و پس از آن هادی به این منطقه کوچ نمودند. یکی از نخستین کوچ ها که به قیام منتهی شد، آمدن یحیی بن عبدالله به دیلم بود^(۶۸) در قرن سوم حسن بن زید علوی ملقب به داعی کبیر از ری به طبرستان رفت و دولت علویان طبرستان را که نخستین دولت اسلامی و در شرق به دور از تأیید خلیفه بود را تأسیس کرد. وی در آمل استقرار یافت و کلیه شهرهای گیلان، دیلم و حتی گرگان را به زیر سلطه خود گرفت. در حقیقت باید گفت از آنجا که آل بویه هم از دیلم برخاستند و باعث تقویت شیعه شدند می توان حضور تشیع تا عهد صفوی را مدیون خطه شمال کشور دانست.

سیستان

منطقه سیستان گرچه پناهگاه خوارج بود، اما شواهدی وجود دارند که نشان می دهند شیعیان نیز در این ناحیه می زیستند. در میان اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام مردمانی از سیستان دیده می شوند و وجود برخی عالمان شیعی نیز حاکی از حضور شیعیان در این منطقه می باشد؛ از جمله شیخ طوسی از دانشمند بزرگ شیعی، محمد بن بحر دهنی، نام برده که در این خطه می زیست و بیش از ۵۰۰ اثر مکتوب داشت.^(۸۱) درباره وکیلان امام دوازدهم در سیستان نیز مطالبی نقل شده اند^(۸۲) تشیع در نواحی «سند» نیز کمابیش انتشار یافته بود و داعیان اسماعیلی در سال ۲۷۰ هجری در این ناحیه فعالیت داشتند و بعدها با قدرت یافتن دولت فاطمی در شهر «ملتان»، به نام خلیفه فاطمی خطبه خوانده می شد و اذان و اقامه به ترتیب مذهب شیعیان گفته می شد.^(۸۳)

نتیجه

جغرافیا و تاریخ تشیع، وابستگی متقابل نسبت به یکدیگر دارند لذا مطالعه در تاریخ این مذهب، خود به خود دستی در بررسی جغرافیایی آن دارد. تشیع ساعتی چند پس از رحلت پیامبر با یک «نه» از جانب علی (ع) به گرداندگان سقیفه آغاز شد و با همدلی چند تن از اصحاب بزرگ پیامبر همچون؛ سلمان، مقداد، ابوذر و عمار، هویدا شد و رسماً شکل گرفت. با

مقدسی، رسم آنان بر این بود که پس از ادای نمازهای واجب، عالمانشان به ایراد سخنانی درباره مسائل دینی می پرداختند و در مناسبت های مذهبی و برای برپایی مراسم در محل هایی خاص اجتماع می نمودند.^(۶۴) به گفته اصطخری، در شهر «حرّه» از این ایالت اغلب مردم شیعه مذهب بودند.^(۶۵) در مجموع استان فارس، به لحاظ سلطه آل بویه در قرن چهارم یکی از مراکز عمده شیعه بوده است. در این صورت نمی توان شیعه را منحصر به شهر حرّه یا فیروز آباد دانست. بعدها یافت شدن قبر احمد ابن موسی الکاظم در شیراز هم بر تشیع آنجا افزود^(۶۶). مقدسی درباره فارس می گوید، مذهب تشیع و معتزله در سواحل آن بسیارند.^(۶۷)

خراسان

در تأیید گرایش خراسانیان به تشیع همین بس که مأمون برای بقای حکومت خود در خراسان، ولایتعهدی را به امام رضا (ع) قبولاند. این امر نشان می دهد که پیش از این هم خراسانیان شیعه دوست و طالب اهل بیت بوده اند. گرایش های شیعی از قدیم در نواحی خراسان وجود داشتند و این ناحیه جمعیت زیادی از شیعیان را در خود جای داده بود. این موضوع را می توان در فعالیت های گسترده علمی شیعیان خراسانی و ارتباط آنان با امامان و وکیلان ایشان به خوبی مشاهده کرد.^(۶۸) از میان شهرهای خراسان، «نیشابور» به داشتن جمعیت شیعی بیشتر متمایز بود و چند تن از اصحاب بزرگ امامان علیهم السلام و مؤلفان برجسته شیعه در آستانه غیبت صغرا از این شهر برخاستند. خاندان فضل بن شاذان از معاریف شیعیان شهر بودند و فضل، خود از چهره های ممتاز تشیع و از اصحاب امام هادی علیه السلام به شمار می رود که کتاب های ارزشمندی را به رشته تحریر درآورد.^(۶۹) وجود وکیلان امام دوازدهم در نیشابور نیز حاکی از فعالیت چشمگیر شیعیان در این شهر می باشد.^(۷۰) مقدسی هم با ذکر اینکه برتری جمعیتی در نیشابور با شیعیان بود، بر این امر تصریح کرده است.^(۷۱) همچنین نقل است که تربت قنبر، حاجب امام علی (ع) در آنجاست و مسجد هانی در نیشابور متعلق به فرزند وی هانی^(۷۲) می باشد. ولایت بیهق، که بزرگ ترین شهر آن «سبزوار» بود، نیز جمعیت شیعی قابل ملاحظه ای در برداشت، به گونه ای که بعضی ادعا کرده اند مذهب اغلب مردم شهر، تشیع افراطی بود و حتی برخی دانشمندان اهل سنت در این شهر به شیعه گری متهم می شدند.^(۷۳) تشیع سبزوار در واقع، تحت تأثیر نیشابور و مهاجرت علویان از طبرستان به این شهر بوده است. درباره وجود شیعیان در مرو نیز اطلاعاتی در دست می باشد. مرو از شهرهای بزرگ و با اهمیت خراسان و یکی از کرسی های حکومتی این ایالت پهناور بود که علاوه بر موقعیت خاص سیاسی، از مراکز علمی و ادبی مهم به شمار می رفت. به نظر می رسد شیعیان مرو ارتباط زیادی با امام حسن عسکری علیه السلام داشتند. شیخ صدوق نام چند تن از شیعیان مرو را، که موفق به دیدار امام مهدی علیه السلام شدند، ذکر کرده است.^(۷۴) نصر بن صباح بلخی نیز از برخی شیعیان مرو خبر داده که اموال بسیاری برای وکیلان امام دوازدهم فرستادند.^(۷۵)

در شهر بلخ، از دیگر شهرهای بزرگ خراسان، نیز شیعیان با نابیان خاص امام مهدی علیه السلام در ارتباط بودند؛ از جمله محمد بن علی



- انتقال مرکز حکومت توسط امیرالمومنین علی (ع) به کوفه، شیعه به مرحله رشد و بالندگی رسید و در شهرهای مرزی ایران و همچنین خود کشور ایران توسعه یافت. همزمان با مهاجرت پاره‌ای از علویان، به افریقا، لبنان، شام و اندلس، به یک اکثریت قابل توجه رسید و تا به امروز در جهان اسلام به عنوان یک نهضت همیشه بیدار در اذهان عام و خاص تجلی یافته است.
- پی نوشت**
- ۱- منبع سایت آستان رضوی : <http://atrereyhane>
 - ۲- بختیاری، سعید، اطلس کامل گیتاشناسی
 - ۳- محرمی، غلامحسن، تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صفری، ۱۷۰
 - ۴- حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۷، ۱۶۱/مجرمی، غلامحسن، تاریخ تشیع از ۵- مهم ترین این قیام ها، قیام محمد بن عبدالله حسنی معروف به «نفس زکیه» در سال ۱۴۵ ه است که توانست با حمایت مردمی بر مدینه مسلط شود، ولی در برابر سپاه المنصور خلیفه عباسی (۱۳۸ ۱۵۸ ه) شکست خورد و کشته شد.
 - ۶- مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ص ۲۹۶. این نکته را محمد بن علی عباسی، که در آغاز قرن دوم هجری نهضت عباسیان را رهبری می کرد، به داعیان و مبلغان خود تذکر داد. نک: ابو عبدالله مقدسی، احسن التقاسیم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۹۳.
 - ۷- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۱۶۴
 - ۸- شانه چی، حسن، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۱۰
 - ۹- همدانی، ابن فقیه، مختصر البلدان، ص ۱۶۳
 - ۱۰- دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، لیدن، بریل، ۱۸۸۸ م، ص ۱۶۴؛ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۷۴ و ۱۰۵.
 - ۱۱- جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه آیه اللهی، تهران، امیرکبیر، ص ۱۲۹.
 - ۱۲- در این باره، به سفارش محمد بن علی عباسی به مبلغانش (مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ص ۲۹۳) و سخن المنصور خلیفه عباسی هنگام قیام نفس زکیه (حسن، ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۱۲۳) توجه کنید.
 - ۱۳- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ۱۰۶
 - ۱۴- حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، ج ۲، ص ۳۶۱.
 - ۱۵- مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ص ۱۲۰.
 - ۱۶- بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۱، ص ۷۹
 - ۱۷- جعفریان، رسول، جغرافیای انسانی شیعه، قم، انصاریان، ص ۵۴.
 - ۱۸- ابن جوزی، المنتظم، لبنان، داراحیاء التراث العربی، ج ۱۳، ص ۵۶ و ۶۵.
 - ۱۹- موسوی، حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، ص ۳۵.
 - ۲۰- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، ج ۱، ص ۶۶۳.
 - ۲۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تهران، ارومیه، ج ۴، ص ۳۴۵.
 - ۲۲- همان، ص ۵۵۸
 - ۲۳- صدوق، محمد بن علی، پیشین، ص ۴۷۵. حسین زاده شانه چی، حسن، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۱۰
 - ۲۴- طبری، محمد بن حریر، پیشین، ج ۲، ص ۵۵۸.
 - ۲۵- حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۴۰.
- ۲۶- مفید، محمد بن نعمان، الجمل، مرکز النشر قم، ۲۷۹
 - ۲۷- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، ج ۱، ۵۹۰
 - ۲۸- مکی، محمود علی، تشیع در اندلس، رسول جعفریان، قم، انصاریان، ۱۳۷۶.
 - ۲۹- ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۲، ۵
 - ۳۰- امین، سید محسن، اعیان شیعیه، ج ۱، ۲۵
 - ۳۱- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ۲۴۰
 - ۳۲- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، ۶۱۲
 - ۳۳- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ۲۲۸
 - ۳۴- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع ایران، ۱۷۳
 - ۳۵- حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۹۷.
 - ۳۶- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ۲۴۰
 - ۳۷- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، ۸۳
 - ۳۸- جعفریان، رسول، تشیع در ایران، قم، انصاریان، ج ۱، ص ۱۸۶.
 - ۳۹- قمی، محمد بن حسن، تاریخ قم، ۲۱۵
 - ۴۰- حموی، یاقوت، پیشین، ج ۷، ص ۸۸
 - ۴۱- تنوخی، نشوار المحاضر، ج ۸، ص ۲۶۰
 - ۴۲- جهانانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ۱۴۳
 - ۴۳- مقدسی، ابو عبدالله، احسن التقاسیم، ۳۹۵
 - ۴۴- بلخی، المسالک و الممالک، تستری، ۱۶۶
 - ۴۵- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ۴۱۵
 - ۴۶- خاندان افتخاریان در قزوین از تبار ابوبکر است. و خالدیان از نسل خالد بن ولید. و یا خلیلیان از نسل عثمان/رجوع به: جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ۲۶۴
 - ۴۷- نجاشی، ابو الحسن احمد، رجال، تحقیق محمد جواد نایینی، ۲۶۳.
 - ۴۸- همان، ۲۶۷
 - ۴۹- طبرسی، ابومنصور، احتجاج، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۷۷.
 - ۵۰- نجاشی، احمد بن علی، پیشین، ۳۹۲.
 - ۵۱- نصرین مزاحم، وقعة صفین، ۱۱
 - ۵۲- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ۲۵۶.
 - ۵۳- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ۳۶۵
 - ۵۴- ابن حوقل، صورة الارض، ۳۰۸
 - ۵۵- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، ۶۷
 - ۵۶- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، ۱۸۷
 - ۵۷- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ۲۱۲
 - ۵۸- حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۷
 - ۵۹- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی شهر اردهال، ۲۶
 - ۶۰- مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ۴۱۵ و ۴۱۷.
 - ۶۱- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۲۶۵.
 - ۶۲- همان، ص ۸۸ / طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ۲۱۱ / صدوق، محمد بن علی، پیشین، ۴۴۲.
 - ۶۳- ابن کثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق، ج ۷، ص ۳۴۰.
 - ۶۴- مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ص ۴۳۹.
 - ۶۵- اصطخری، ابراهیم، پیشین، ص ۱۲۷.
 - ۶۶- ابن بطوطة، رحلة، ۱۳۳
 - ۶۷- مقدسی، اب عبدالله، احسن التقاسیم، ۴۴۱
 - ۶۸- طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۰۰ و ۲۱۶ و ۲۱۸ و ۳۴۲ و ۳۷۶.



- ۶۹- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال کشی، دانشگاه مشهد، ص ۵۳۹.
- ۷۰- طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ۴۴۹.
- ۷۱- مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ۳۲۳.
- ۷۲- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهق، ۲۵.
- ۷۳- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۱۳۴.
- ۷۴- صدوق، محمد بن علی، پیشین، ص ۴۴۵.
- ۷۵- همان
- ۷۶- همان، ۵۱۶.
- ۷۷- همان، ۴۴۸.
- ۷۸- همان، ص ۵۰۴ / طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ۵۴۲.
- ۷۹- مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ص ۳۲۳. / حسین زاده شانه چی، حسن، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۱۰.
- ۸۰- یحیی از جمله اشخاصی بود که امام صادق به او وصیت کرد تا مشخصاً معلوم نشود که موسی بن جعفر جانشین امام است / تاریخ طبری، ج ۶، ۴۵.
- ۸۱- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۱۶۶ و ۴۰۳.
- ۸۲- جاسم، حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه آیه الله زاده شیرازی، تهران، امیرکبیر، ۷۸.
- ۸۳- مقدسی، ابو عبدالله، پیشین، ص ۴۸۱.
- ### منابع و مأخذ
- بارتلد، ویلهلم، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه همایون صنعتی زاده، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۷.
- بختیاری، سعید، اطلس کامل گیتاشناسی: سیاسی، طبیعی، اقتصادی، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۶۹.
- محرمی، غلامحسین، تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، مرکز انتشارات موسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۹.
- حموی، یاقوت، معجم البلدان، کتابخانه الکترونیکی دانشکده علوم و حدیث - مقدسی، ابو عبدالله، احسن التقاسیم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- شانه چی، حسن، فصلنامه شیعه شناسی، سایت نور مگ.
- ابن الفقیه، ابوبکر احمد، مختصر البلدان، ح. مسعود، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹.
- دینوری، ابو حنیفه، اخبار الطوال، لیدن، بریل، ۱۸۸۸ م.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
- جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه آیه اللهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- امین، سید محسن، اعیان الشیعه؛ بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا صفوی، تهران، مهارت، ۱۳۸۷.
- بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۹.
- ابن جوزی، المنتظم، بیروت لبنان، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۶.
- جعفریان، رسول، جغرافیای انسانی شیعه، قم، انصاریان، ۱۳۷۱.
- موسوی، حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۰.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل
- ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۴۱۷ ق.
- مفید، محمد بن نعمان، الجمل، تحقیق سید علی میرشریفی، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- مکی، محمود علی، تشیع در اندلس، رسول جعفریان، قم، انصاریان، ۱۳۷۶.
- ابن کثیر، البدایه والنهایه، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه الکترونیکی، cgie.org.ir.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، فاضل میبدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.
- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، تاج الدین قمی، قم، مرکز قم شناسی کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۵.
- شوشتری، قاضی نورالله، محافل المومنین فی ذیل مجالس المومنین، محمد شفیع حسینی عاملی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۳.
- تنوخ، م. حسنین، تنوخ، نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة، احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- بلخی، مسالک وممالک، محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۳.
- طبرسی، ابومنصور، احتجاج، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲.
- نصرین مزاحم، وقعة صفین، تحقیق کاشانی سید فرج الله بن هاشم، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۰ ق و تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- ابن حوقل، محمد، صورة الارض، کراموس، لیدن، ۱۹۳۸ م.
- نجاشی، ابوالحسین احمد: رجال، تحقیق محمد جواد نایینی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، بیروت.
- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، طهوری، ۱۳۳۶.
- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی مذهبی مشهد اردهال، هیئت امناء سلطان علی بن محمد باقر (ع)، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست طوسی، چاپ اول، موسسه نشر الفقاهه، شعبان المعظم ۱۴۱۷.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال کشی، چاپ چهارم، دانشگاه، مشهد، مرکز نشر آثار علامه مستوفی، مشهد ۱۳۴۸ ش.
- جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه آیه الله زاده شیرازی، تهران، امیرکبیر، ۷۸.
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهق، فیاض علی اکبر، دانشگاه مشهد، ۱۳۶۹.